

شیرازه

در حاشیه رمان «ترکه مرد» دشیل همت با ترجمه احمد میرعلایی

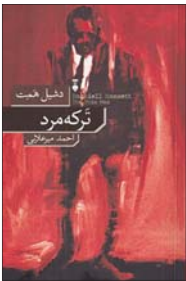
قتل بر زمینه کمدی آداب

شرق: این باوری کم‌وبیش مرسوم است که ادبیات پلیسی و داستان‌های جنایی از ارزش کمتری برخوردارند و اغلب به‌عنوان آثاری صرفاً سرگرم‌کننده یا به‌اصطلاح غیرجدی در نظر گرفته می‌شوند. شاید ساخت فیلم و سریال‌های متعدد براساس داستان‌های پلیسی هم به این باور دامن زده باشد. اما واقعیت این است که داستان پلیسی به دلیل امکان‌هایی که در خود دارد فرم نوشتاری مناسبی برای ارائه تصویری از جامعه و سبیر تغییر و تحولاتی است که در متن اجتماع جریان دارد. همچنین می‌توان گفت ادبیات پلیسی بیشتر از دیگر ژانرهای ادبی از شرایط اجتماعی و واقعیت‌های تاریخی معاصرش تأثیر گرفته است. یکی از چهره‌های شاخص ادبیات پلیسی و جنایی که آثارش به‌خوبی گواهی بر این واقعیت است، ژرژ سیمنون، نویسنده مشهور فرانسوی است که تعداد زیادی رمان چه با نام خودش و چه با نام مستعار نوشته است. پرسوناژ تعدادی از داستان‌های او سربازرسی به نام «مگره» است که یکی از مشهورترین پرسوناژهای ادبیات پلیسی جهان به شمار می‌رود. یکی از ویژگی‌های مشترکی که در غالب آثار سیمنون دیده می‌شود، ارائه تصویری از جامعه‌ای است که رو به زوال و ویرانی دارد و او را به این دلیل که تصویری از جامعه فرانسه در نیمه اول قرن بیستم ارائه داده است، بالزاک جنایی‌نویس هم نامیده‌اند.

نویسندگان برجسته دیگری هم می‌توان نام برد که با نوشتن داستان‌های پلیسی و جنایی تأثیر زیادی از خود بر جریان‌ها و ژانرهای گوناگون ادبی برجا گذاشتند. از ادگار آلن پو گرفته تا گراهام گرین و دشیل همت ازجمله این نویسندگان هستند.

زنده‌یاد احمد میرعلایی در سال‌های حیاتش رمانی از دشیل همت با عنوان «ترکه مرد» به فارسی برگردانده بود و در یادداشتی کوتاه با عنوان «در سستایش هوش و هوش‌نمایی» به اهمیت داستان‌های پلیسی اشاره کرده و برخی ویژگی‌های این ژانر را برشمرده است. او با اشاره به باور غلط مرسوم درباره کم‌ارزش‌بودن داستان‌های پلیسی و جنایی می‌گوید حقیقت جز این است و برای هر نویسنده‌ای تا طرح و توطئه داستانی، آینه‌اندازی و گرگشتایی نهایی را بیاموزد، خواندن شاهکارهای این نوع ادبی و حتی دست‌ورزی با مایه‌های جنایی پلیسی از ضروریات است. او به آلن‌پو، بورخس، جوزف کنراد، گراهام گرین، جان لوکاره و… اشاره می‌کند که همین کار را کرده‌اند و آثاری ماندگار و البته پرفروش خلق کرده‌اند. او درباره ریشه‌های ادبیات پلیسی و جنایی نوشته: «چنان که گفته‌اند ریشه‌های داستان پلیسی را می‌توان از سوئی در رمانس‌های قرون وسطای اروپا و از سوئی در هزار و یک شب و افسانه‌های بوکاچیو و چاسر یافت، اما اگر اصرار باشد نقطه آغازی برای آن مشخص کنیم شاید سال ۱۸۴۱ یعنی سال انتشار داستان جنایات کوچک مورگ اثر ادگار آلن‌پو در مجله گراهام فیلدالفیا تاریخ مناسبی باشد. یو بعدها دو داستان ماجرای اسرارآمیز ماری روزه و نامه رپوده‌شده را نوشت و در هر یک باز کارآگاه مشهور خود گوست دوپین را وارد صحنه کرد. بعضی داستان‌های دیگر پو را نیز دارای ساخت و بافت پلیسی دانسته‌اند، اما این سه داستان حاوی تمام مشخصه‌های داستان پلیسی است.» میرعلایی همچنین به این اشاره کرده که ظاهرا چارلز دیکنز با رمان «خانه قانون‌زده» قصد داشته در همین راه قدم بردارد و آخرین رمانی که نوشت و پس از مرگش منتشر شد، یعنی «ماجرای اسرارآمیز ادوین درود»، نیز ویژگی‌های داستان پلیسی را داشت. گرچه نویسنده‌های همچون دیکنز یا حتی هرمان ملویل در ادبیات پلیسی توفیق چندانی به دست نیاوردند، اما سال‌های پایانی قرن نوزدهم ادبیات پلیسی شاهد ظهور کارآگاه‌های مشهوری بود که هنوز هم شهرتی جهانی دارند. آرتور کانن دوایل با خلق کارآگاه مشهورش یعنی شرلوک هولمز، چنان شهرتی به دست آورد که به قول میرعلایی وقتی می‌خواست دیگر داستان‌های او را ادامه نهد با اصرار خوانندگان دوباره قهرمانش را به صحنه بازگرداند. کارآگاه‌های مشهور دیگری نیز در آن دوران پدید آمدند که می‌توان به آرسن لوپن، هرکول پوارو و سربازرس مگره اشاره کرد. دشیل همت نیز جایگاهی ویژه در اعتباربخشیدن دوباره به داستان‌های پلیسی و جنایی در آمریکا داشت. میرعلایی درباره او نوشته: «او یکی دو دهه محبوب هالیوود و جامعه کتابخوان آمریکایی بود. مرد، مراد و مشوق لیلیان هلمن بود و شخصیتی گوشه‌گیر، رام و فرزانه داشت. اگر فیلم جولیا ساخته فرد زینه‌مان را دیده باشید، او همان عاقله مرد تنها است که لیلیان گس از ماجراهایش به سوی او بازمی‌گردد و جیس روپاردر نقش او را بازی می‌کند. ویم وندرس در سال ۱۹۸۳ فیلم همت را از روی زندگی او ساخت. همین ترکه مرد دستمایه ساخت دست‌کم یک فیلم سینمایی و یک نمایش موزیکال شد و کیشی را پدید آورد که شاید شخصیت همفری بوگارت در فیلم‌هایش نماینده بیرونی آن باشد.»

ماجراهای رمان «ترکه مرد» در سال ۱۹۲۳ در نیویورک اتفاق می‌افتد. ماجرای که مربوط است به یک قتل و یک خانواده ازهم‌پاشیده، اما آنچه این اثر را از سایر آثار همت متمایز می‌کند، حضور یک زوج کارآگاه-نیک و نورا چارلز- است که سبک زندگی، زبان و روابط‌شان، به‌جای آنکه در تاریکی و خشونت غوطه‌ور باشد، رنگی از شوخ‌طبعی، شهری‌گری و حتی نوعی اشرافیت دارد. نیک چارلز، کارآگاه بانزسته‌های که اکنون با همسر ثروتمندش در نیویورک زندگی می‌کند، درحالی‌که برای تعطیلات به لس آنجلس آمده‌اند، ناخواسته درگیر پرونده‌ای می‌شود که مربوط به گذشته او است؛ کم‌شدن یک مخترع عجیب‌وغریب و قتل ناشی‌اش. این ماجرا طی خانواده وبنیانت را وسط می‌کشد، میمی، همسر سابق مخترع؛ درویتی، دخترشان که دلپسته نیک است؛ و کیلبرت، پسر سرد و دلمشغول موضوعاتی چون قتل و آدم‌خواری. در بخشی از این رمان می‌خوانیم: «اگر این همه سال‌ها گذشته بی‌آنکه من با تو تماسی گرفته باشم، فقط به این خاطر بوده که مادرت چنین می‌خواست و اگر اکنون با درخواست کمکی از تو این سکوت را می‌شکنم فقط به این خاطر است که نیاز مبرم ناگزیرم می‌کند خلاف میل مادرت رفتار کنم. علاوه بر این تو دیگر مردی شده‌ای و به نظر من این خود تو هستی که باید تصمیم‌گیری که ما باید همچنان بیگانه بمانیم با باید مطابق با پیوند خونی‌مان عمل کنیم. حتما اطلاع داری که من اکنون در ارتباط با قضیه به اصطلاح قتل وولف در موقعیت ناراحت‌کننده‌ای قرار دارم و مطمئنم هنوز آن مایه محبت نسبت به من در تو مانده باشد که دست‌کم امیدوار باشی که من از هیچ لحاظ کوچک‌ترین جرمی در آن قضیه ندارم، که حقیقت هم همین است.»



ترکه‌مرد

دشیل همت
ترجمه احمد میرعلایی

نشر نو



چهارشنبه

۱۴۰۴ ف ۱۷

سال سی‌ودوم • شماره ۵۲۴۱

www.sharghdaily.com

به مناسبت سالروز درگذشت

علی اشرف درویشیان در آبان ۱۳۹۶

درویشیان و تاریخ اجتماعی معاصر



علی اشرف درویشیان

تحولات اجتماعی شکل می‌گیرد.

جلد نخست «سال‌های ابری»، شرحی از دوران کودکی است و ماجرای داستان با زایمان دردناک مادر آغاز می‌شود و در اینجا زنانی را می‌بینیم که همگی تحت ستم ورنج‌های مختلف زندگی می‌کنند. پدر نیز مدام در پی یافتن شغل و به دست آوردن مزدی برای گذران زندگی است و تلاش‌های مداوم او برای تغییر وضعیت مادی زندگی و شکستش باعث می‌شود محیطی را که در آن قرار دارد ترک کرده و خانواده را رها کند. راوی داستان، شریف، ضمن آنکه شرحی از فقر و محرومیت خانواده‌اش به دست می‌دهد، خود نیز در تلاش است وضعیتی را که گرفتارش شده عوض کند. درویشیان در این رمان به‌خوبی آشنایی‌اش با فقر و محرومیت و زندگی طبقه کارگر را نشان می‌دهد. میرعبادینی درباره این ویژگی رمان نوشته است: «نویسنده از ورای این توصیف‌ها، آشنایی خود را با زندگی مردم اعماق جامعه آشکار می‌سازد. صحنه‌های دردناکی از فقر، جهل، مرگ‌های آسان، بیماری‌ها، قحطی‌زدگی‌ها و ناآمنی‌ها، و چگونگی شکل‌گیری طبقه کارگر صنعتی در کرمانشاه و روان‌شناسی اجتماعی این طبقه و فاصله‌های طبقاتی، ترسیم می‌کند. از این نظر، رمان به‌عنوان افشاکر بخشی از تاریخ اجتماعی معاصر، اثری ارزشمند است.

درویشیان با گردآوری شیوه‌های زیست و باورهای عامه، جنبه‌های مردم‌شناختی کار خود را تقویت می‌کند. گاه نیز از طریق مجاور

به مناسبت تجدیدچاپ «عروسک‌خانه» هنریک ایبسن

ایبسن و فرهنگ عروسک‌پرور

می‌دهد که فرهنگ‌های مختلف، دست‌کم ۸۷ تای آن، در دنیا معجزه را در افاق بالندگی انسان نسبت به دو جنسیت دور از دسترس نمی‌دانند و برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند؛ ایران نیز با اجراهای متفاوت، ترجمه‌بازترجمه، و اقتباس سینمایی از این اثر نشان داده است که این معجزه اجتماعی را باور دارد.»

یکی از ویژگی‌های ترجمه‌های قادری از آثار ایبسن، مقدمه‌های مفصلی است که او درباره هر اثر و نیز جهان نمایشی ایبسن نوشته و در آنها به وجود مختلف هنری و فلسفی نمایش‌نامه‌ها، زمینه تاریخی شان، ارتباطات بینامتنی آنها و… پرداخته است. قادری در مقدمه خواندنی‌اش در «عروسک‌خانه»، درباره نقش نورا در خانه پدری و خانه شوهر به‌درستی نوشته «عروسک‌خانه جایگاه مشتئی عروسک است. نورا در ریشه‌یابی عروسک‌بودنش به آموزش خودش در خانه پدری و بعد در خانه توروالد اشاره می‌کند؛ گذر از ملوسک (فرزند دختر) بودن در خانه پدری به عروسک (همسر) بودن در خانه توروالد هلمسر». قادری به نکته‌ای ظریف نیز اشاره می‌کند و آن اینکه توروالد نیز کمتر از نورا عروسک نیست و ذهن و زبان او ساخته «فرهنگی زرنیه‌محور» است. به عبارتی، مناسبات اجتماعی مسلط در زمانه‌ای که «عروسک‌خانه» به آن تعلق دارد، فراتر از اراده و خواسته فردی آدم‌ها در جریان است. در «عروسک‌خانه»، نورا می‌خواهد از نقش زنی وابسته و ضعیف، به زنی دیگر و خودمتکی بدل شود اما این توهمی ذهنی است که هیچ پایه‌ای در واقعیت ندارد و به



عروسک‌خانه

هنریک ایبسن

ترجمه بهزاد قادری

نشر بیدگل

هم نهادن باورهای ساده‌لوحانه با پیچیدگی‌های واقعیت، موفق به ایجاد موقعیت‌های طنزآمیز می‌شود.»

در جلد دوم «سال‌های ابری»، درویشیان سراغ روایت سال‌های دهه ۳۰ و جنبش ملی‌کردن نفت و مبارزات مردمی و سپس کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ رفته است. او توانسته هم فضای پرسرور نهضت ملی‌کردن نفت را نشان دهد و هم فضای یأس و ناامیدی جمعی پس از کودتا را. جلد سوم مربوط به دوره‌ای است که راوی داستان، شریف، تحصیل در دانش‌سرا را به پایان برده و به‌عنوان معلم به روستاهای گیلانغرب می‌رود. در اینجا نیز باز درویشیان توانسته فقر و محرومیت و مسائل روستا و سلطه اربابان را به تصویر بکشد. جلد سوم رمان به سال‌های دهه ۴۰ مربوط است؛ یعنی دوره‌ای که هنوز خاطره کودتا تازه است و جنبش دانشجویی همچنان دست به مقاومت می‌زند. بخش پایانی این رمان نیز مربوط به وضعیت زندان در سال‌های پیش از انقلاب است. درویشیان در آن دوره بازداشت شده و به زندان افتاده بود و روایتی از بازداشت و زندان را در داستان «سلول ۱۸» ارائه کرده بود، اما در اینجا نیز باز به سراغ زندان رفته و تصویری از شکنجه‌ها و محشی زندان در دوران حکومت شاه به دست داده است. «سال‌های ابری» با انقلاب بهمن ۱۳۵۷ به پایان می‌رسد و درواقع درویشیان با نوشتن این رمان مفصل، بخشی مهم از تجربیات شخصی‌اش را در قالب روایتی داستانی ارائه کرده است.

عطف

اززاویه‌تاریخ

شرق: نگاه تاریخی به حوادث اجتماعی و سیاسی نگاهی است که می‌تواند تا دوردست‌ها پیش برود و هر واقعه‌ای را در بستری که در آن رخ داده است تحلیل کند. از منظر تاریخی به حوادث نگریستن شیوه مشخصی از تحلیل امور است که اغلب از سطحی‌نگری فاصله می‌گیرد و به سراغ ریشه حوادث می‌رود.

تیتسیانو ترسانی، نویسنده، خبرنگار و متفکر ایتالیایی بود که در سال‌های پرتلاطم قرن بیستم، به عنوان نماینده مطبوعاتی نشریه «اشپیکل» آلمان در آسیا، از رویدادهای جنگ ویتنام و انقلاب فرهنگی چین، ژاپن و هند که از نزدیک شاهدشان بود گزارش‌هایی می‌خابره می‌کرد و به تحلیل حوادث دشوار آن دوران بر اساس نگاهی تاریخی می‌پرداخت. او در کتاب «پایانی که آغاز من است» درباره سفرها و ماجراجویی‌هایش و همچنین از برخوردش با فرهنگ‌ها و سیستم‌های سیاسی مختلف و جست‌وجویش برای یافتن کمال معنوی نوشته است.

ترسانی در شصت‌وپنج سالگی به سرطانی وخیم گرفتار شد و تصمیم گرفت در واپسین ماه‌های زندگی‌اش، همراه پسرش فولکو گوشه بگیرد و یافته‌های زندگی‌اش را برای فرزندش بگوید تا او آن یافته‌ها را با جهانیان در میان بگذارد. او این فرصت را داشت تا به رویکردهای فلسفی عصر خود نگاه کند و در این کتاب خوانندگان نیز این فرصت را به دست می‌آورند تا به ریشه‌یابی بسیاری از مصایب بپردازند که انسان در قرن بیست‌ویکم با آنها مواجه شده است. آن‌طور که مترجم اثر نیز توضیح داده، کتاب «پایانی که آغاز من است» به عنوان آخرین پرده نمایشی است که زندگی نام دارد و در قالب دیالوگ نوشته شده است. ترسانی در این کتاب با به سخنر کشاندن مرگ، شوق و عشق به زندگی و زندگان را به خوانندگان خود سپریت می‌دهد.

او به عنوان نویسنده و خبرنگار در تمام بزنگاه‌های عصر خود چوچان شاهدی عینی حاضر می‌شد و می‌کوشید جانب درست دورانش را بسنجد و گزارش دهد. کتاب حاضر نیز درواقع گفت‌وگوی او با پسرش است درساره هر آنچه در عمر شصت‌وپند ساله‌اش در اقصی‌نقاط جهان دید و لمس کرد. زاویه دید ترسانی به جنگ‌ها و انقلاب‌ها و اتفاقات فرهنگی، عمدتاً در آسیا، زاویه‌ای است به دور از سیاست و منشی معمول ژورنالیستی. چشم او چشمی است که جزئیات و کلیّات را به موازات یکدیگر شناسوده را به میدانی دیگر می‌برد. او معتقد است: «کسی که حوادث روز را در بستر تاریخی آن دنبال نکند از هیچ چیز سر در نمی‌آورد…» کسی که تاریخ را نفهمد روزگار خودش را هم درک نخواهد کرد. روزنامه‌نگاری که وقایع روز را توصیف می‌کند، اگر در همان محدوده بماند، مانند کسی است که جهان را از پشت میکروسکوپ می‌بیند، درحالی‌که تو برای دیدن دوردست‌ها به تلسکوپ نیاز داری». اصل کتاب «پایانی که آغاز من است» به زبان ایتالیایی است اما همزمان با همکاری با مجله «اشپیکل» به زبان آلمانی منتشر و معرفی شده است یعنی زبانی که تیتسیانو ترسانی با آن می‌نوشت. این کتاب در چاپ‌های متعدد بعدی توسط مترجمان آلمانی و شخص فولکو ترسانی بازنگری و در مواردی مختصر شده است. ترجمه فارسی اثر بر مبنای نسخه سال ۲۰۱۷ انتشارات پنکوش مونیخ انجام شده که همین نسخه در سال ۲۰۲۴ نیز تجدیدچاپ شده است.



پایانی که آغازمن است

تیتسیانو ترسانی

ترجمه عطا گیلانی

نشر نی